

پویایی‌شناسی اعتیاد: کارکردهای مبتنی بر پویایی سیستمی اعتیاد

شهرام مقدس قهفرخی^۱، منصور حقیقتیان^۲، سید علی هاشمیان فر^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

چکیده

هدف: هدف این تحقیق، توسعه نظریه‌های اعتیاد به منظور تفسیر و تحلیل کارآمدتر آن است. **روش:** روش تحقیق کیفی بود. از نسخه چارمزی نظریه زمینه‌ای برای تولید ایده‌ها و تفاسیر جدید استفاده شد. نمونه هدفمند و قضاوتی تحقیق شامل تعدادی از بهبود یافتگان با خود آگاهی بالا نسبت به تجربه اعتیاد و تعدادی از متخصصان مجرب حوزه اعتیاد بود. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد اعتیاد یک سیستم پویاست. ساختاریابی آن بر اساس کارکردهای آن است. اعتیاد به عنوان یک سامانه مدیریت تنش‌های ناشی از تغییرات است. اعتیاد تغییرات بیرونی را به ساختاری پویا تبدیل کرده است. مواد به عنوان یک رسانه غیر زبانی و عام جدید است. کارایی و سرعت در شکل‌گیری ساختار کارکردی اعتیاد نقش دارند. اعتبار یافته‌ها مبتنی بر صلاحیت‌های تجربی و علمی مراجع اطلاع‌رسان و همسویی یافته‌های میدانی با تفاسیر جدید از نظریه‌های مهم جامعه‌شناسی است. **نتیجه‌گیری:** مصرف‌کنندگان مواد به کارکردهای ضربه‌گیر، تکمیلی و افزایشی مواد توجه داشته و سیستم اعتیاد پس از کژکارکردی سایر سیستم‌ها، برای برقراری تعادل پویا در نظام کلان اجتماعی ایفای کارکرد می‌نماید.

کلید واژه‌ها: پویایی سیستمی، پیامدهای ناخواسته، کارکرد ساختاری، مک‌دونالدی شدن، نظریه بنیادی چارمزی

۱. دکتری بررسی مسائل اجتماعی، چهارمحال بختیاری، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دهقان، ایران، پست الکترونیکی:

mansour_haghighatian@yahoo.com

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

در چهار دهه گذشته برای کنترل و کاهش اعتیاد، به عنوان یکی از مسائل دارای اولویت بالای کشور، تلاش‌های مختلفی صورت پذیرفته است. اما اعتیاد همواره رو به گسترش بوده و تهدیدات آن به دلیل گسترش مواد صنعتی، کاهش سن اعتیاد، گرایش زنان به مواد و نارسایی‌های موجود در درمان معتادان، افزایش یافته است. به نظر می‌رسد این پدیده به عنوان یک زیست اجتماعی تثبیت شده و سلامت، نظم و توسعه جامعه را تهدید می‌کند. گزارش «پیمایش ملی خانوار در مورد شیوع مصرف مواد مخدر و سایر مواد اعتیادآور در جمعیت عمومی ۶۴-۱۵ سال کشور (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۴)، حاکی از آن است که آمار جمعیت معتادان قریب $2/800/000$ نفر و با احتساب سایر مصارفی که در سنجش گرایش به مصرف مواد اعتیادآور مورد توجه بوده، این آمار به $4/600/000$ نفر می‌رسد. این گزارش بیانگر آن است که میانگین نسبت گرایش به مواد اعتیادآور در جمعیت فوق برابر $5/4\%$ بوده و این نسبت در استان چهارمحال و بختیاری $10/46\%$ (رتبه سوم کشوری) بوده است. از سوی دیگر، در طی یکصد سال گذشته، سیر قانون‌گذاری در حوزه مبارزه با مواد مخدر، بیانگر نوسانات در شدت مجازات‌های حوزه مواد مخدر و اعتیاد و تغییر در رویکردهای نسبت به این پدیده بوده است (همایش بین‌المللی علمی کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، ۱۳۷۹). این ویژگی نیز معرفی برای تداوم وجود مسئله محسوب می‌شود.

با گسترش مستمر تهدید اعتیاد، ناگزیر از پذیرش نارسایی در بسیاری از برنامه‌های مقابله‌ای و به نتیجه قطعی نرسیدن برنامه‌های پیشگیرانه هستیم. این امر می‌تواند بیانگر آن باشد که بخش‌هایی از پدیده اعتیاد به خوبی شناسایی نشده‌اند. یا به شناخت احتمالی آن بخش‌ها، توجه لازم نشده است. در نتیجه برنامه‌های پیشگیری، درمانی و مقابله‌ای نیز با دقت کافی طراحی نشده‌اند. حال ضرورت پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی برای برون‌رفت از وضعیت‌های نگران‌کننده فعلی، مستلزم بازبینی پدیده اعتیاد و دیدگاه‌های موجود پیرامون آن است. سؤال محوری تحقیق عبارت است از این که: "چرا برنامه‌های مرتبط با مقابله با اعتیاد به نتایج مناسب نرسیده‌اند؟ و چرا شاهد گرایش گروه‌های جدید به

سمت مواد اعتیاد آور هستیم؟". شناخت سازوکارهای ساختاریبی کارکردی و تداوم حیات اعتیاد به عنوان یک سیستم پویا و چگونگی گسترش اعتیاد به عنوان یک سیستم رقیب یا جایگزین سایر ساختارهای اجتماعی و ارائه نظریه‌هایی که بتواند در تفسیر و تحلیل پدیده اعتیاد به واقعیت نزدیک‌تر شود، از جمله اهداف این پژوهش محسوب می‌شوند.

در تبیین پدیده اعتیاد، علوم زیستی و ویژگی‌های اندوفنوتایپی^۱ و ساختار ژنتیکی را مورد توجه قرار می‌دهند. روان‌شناسان به فرآیندهای روانی و ویژگی‌های شخصیتی در کنار نوع نگرش و ویژگی‌های مهارتی توجه دارند. جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی برای تبیین این پدیده، ساز و کارهای فراتر از فرد شامل؛ عوامل و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تعاملات بین فردی، نوع پیوندها و نوع پاسخ‌گویی به نیازهای افراد، ... را مورد بررسی قرار می‌دهند. یافته‌های این علوم بسیاری از ابعاد این پدیده را شناسایی کرده‌اند (جلالی، ۱۳۹۶). اما نارسایی در نتایج برنامه‌های مقابله‌ای و پیشگیرانه، بیانگر ابعاد ناشناخته‌ای از این پدیده بوده که نیازمند تحقیقات بیشتری است. جستجو برای پیشینه مرتبط با موضوع و اهداف این تحقیق، به نتایج چشمگیری نیا انجامید و گزارش‌هایی که اعتیاد را همزمان به عنوان یک سیستم پویا و دارای کارکردهای سیستمی در ابعاد روانی، جسمانی و اجتماعی و در سطوح خرد، متوسط و کلان بداند و همچنین کارکردهای این سیستم را در راستای تعادل سیستم کلان و جبران نارسایی‌های سایر نهادها ارزیابی نماید، یافت نشد. لذا خلأ نظری و نبود تحقیقات قبلی مرتبط با موضوع و مفروضات متفاوت پژوهش، دلیل اصلی انتخاب رویکرد کیفی این تحقیق بود.

سراج‌زاده و عزیززاده (۱۳۹۴)، با به کارگیری رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی و روش نظریه‌ زمینه‌ای سعی داشته‌اند از منظر افراد بومی و درگیر با پدیده مصرف مواد مخدر و اعتیاد، شرایط، تعاملات و پیامدهای اعتیاد و مصرف مواد مخدر در شهرستان "رودبار جنوب" را بررسی نمایند. یافته‌های حاصل از روش نظریه‌ زمینه‌ای شامل هشت مقوله عمده رسوم و سنت‌های محلی، مشکلات نظام اقتصادی و معیشتی، ارزیابی مثبت از

مواد ارزیابی منفی با غلبه ارزیابی مثبت، پایین بودن شناخت و آگاهی، دسترسی آسان، فقدان امکانات لازم برای اوقات فراغت، فقدان کنترل انتظامی مؤثر و بسترهای اکولوژیک منطقه. مقوله هسته نیز "بهنجار بودن موقعیتی مصرف مواد مخدر" است که سایر مقوله‌ها را در بر می‌گیرد. قادری و محسنی تبریزی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با استفاده از روش کیفی مصرف مواد مخدر را در میان پنج خرده فرهنگ بزرگ قومی ایران، در قالب ۲۲ استان کشور، بررسی کردند. این پژوهش، هنجارهای موجود را در سه حوزه توصیه‌های؛ ۱- دارویی و درمانی ۲- باورهای عامیانه و جملات و ضرب المثله‌ها ۳- آداب و رسوم خاص، بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق در هر سه حوزه خاص، هنجارهایی وجود دارد که تسهیل‌کننده مصرف مواد مخدرند. کرمی و اعتمادی‌فرد (۱۳۹۲)، در پژوهشی با استفاده از روش کمی و تحلیل ثانویه، به چگونگی ساخت‌یابی اعتیاد در ایران پرداختند. این پژوهش ساخت اجتماعی اعتیاد را ترکیبی از بعد عینی و ذهنی در نظر می‌گیرد. بعد عینی مواد مخدر را با نشان دادن واقعیت‌های عینی از جمله آمارهای مربوط به تعداد مصرف‌کنندگان، تغییرات الگویی مصرف مواد مخدر برحسب جنس و سن و نشان دادن روند الگویی مصرف مواد مخدر در ایران بوده است. بعد ذهنی با استناد به پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، نشان داده که در نظر ایرانیان اعتیاد بعد از بیکاری و گرانی، مهم‌ترین مسئله است. یعنی ذهنیت عمومی مردم اعتیاد را مسئله بسیار مهمی می‌داند.

ساسمن و ایمز^۱ (۲۰۰۸) در تحقیقات خود، به تبع مطالعات طولی کندل^۲، درگیر شدن نوجوانان در رفتارهای مشکل‌آفرین را به عنوان یک کارکرد مربوط به «تمایل مشکل‌آفرین» به حساب آوردند که در اغلب بخش‌ها، به واسطه تعامل نظام‌های شخصیتی، رفتاری و محیط ادراک شده، ایجاد می‌شود. این الگوی زیستی، روانی و اجتماعی در تبیین چند متغیره اعتیاد و بیان سازوکارهای تعامل متغیرها برای این تحقیق کاربرد دارد. به تعبیر دیگر الگوی رفتار مشکل‌آفرین بیان می‌دارد این گونه رفتارها برای نوجوانان کارکردهای روانی و اجتماعی و کسب رضایت‌مندی به همراه دارند. از جمله این

کار کردها می توان مواردی همچون ابراز مخالفت با ارزش های متعارف، سازوکاری برای مقابله با ناکامی و احساس نابسندگی^۱، نمایش همبستگی با گروه همسالان، یک تصدیق برای ابراز هویت، نشانه ای برای گذار به دوره بزرگسالی و اعلام ارزش های نامتعارف از سوی این گروه ها، را نام برد. اسپونر، هال و لاینسکی^۲ (جلالی، ۱۳۹۶) و برخی مؤسسات مرتبط با سوء مصرف مواد، به جمع بندی عوامل تأثیر گذار در گرایش و تثبیت رفتار مصرف مواد پرداخته و آن ها را به الگوی عوامل خطر آفرین و عوامل محافظت کننده، تبدیل کرده اند.

هدف اصلی تحقیق، توسعه نظریه اعتیاد با رویکرد جامعه شناختی بود و این مهم از طریق بررسی کیفی دیدگاه های صاحب نظران و کنشگران این حوزه و کشف تفاسیر نظری جدیدی که با دیدگاه زیست اجتماعی همسویی مناسب تری دارند، پیگیری شده است.

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه گیری

تحقیق موجود با رویکرد کیفی و با روش نظریه زمینه ای^۳ (فراست خواه، ۱۳۹۵؛ و خاکی، ۱۳۹۶) و بر اساس نسخه ساختن گرایانه^۴ انجام شد. این نسخه توسط خانم چارمز^۵ ارائه شد و با رویکرد تفسیری، بر واقعیت های چند گانه^۶ تأکید دارد. نسخه چارمزی، نه اثبات گرایانه، بلکه ساختن گرایانه است (چارمز، ۲۰۰۶). محقق باید ببیند در هر موقعیتی سوژه ها و عاملان انسانی و کنشگران و ذی نفعان چه می گویند. واقعیت به صورت چند صدایی در یک موقعیت خاص از طریق ادراکات و علایق و منافع مختلف بازنمایی می شود. نسخه ساختن گرا، به مطالعات مردم نگارانه^۷ (مطالعه عمیق: مشاهده، بررسی اسناد، مصاحبه و امثال آن ها) نزدیک می شود تا از این طریق بتواند به داده های غنی^۸ از واقعیت چند گانه دست یابد. در این نسخه محقق، ضمن درگیری و تماس و مرادده نزدیک با افراد یک

1. inadequacy
2. Spooner, Hall & Lynskey
3. Grounded Theory Method (GTM)
4. Constructionist - Grounded Theory Method

5. Charmaz
6. multiple realities
7. ethnographic
8. rich data

موقعیت، می‌کوشد از طریق فهم آن‌ها، داده‌ها و شواهد آن موقعیت را به طور مداوم و به طور مقایسه‌ای تحلیل بکند (چارمز، ۲۰۰۶). در این روش، محقق گفته‌ها را نقل می‌کند، اما با عنصری اکتشافی و نه صرفاً اطلاعاتی بی‌روح و تهی از معنا. پژوهشگر یک گزارشگر نیست، بلکه یک مفسر تحلیل‌گر، اما متعهد به وقایع و قصه‌ها و فهم و تفاسیر مردم است. ذهن باز نه خالی، یعنی یک موقعیت و تفاسیر مردم را با پیش‌فرض‌های نظری خود سانسور و تحریف نمی‌کند، اما مفهوم‌سازی و معنا بخشی می‌کند. محقق با مفروضات پیشین خود کشتی می‌گیرد، نه این‌که تظاهر به خالی کردن ذهن خویش از مفروضات بکند (چارمز، ۲۰۰۶).

جامعه شامل دو گروه اطلاع‌رسان و مراجع اصلی حوزه اعتیاد بودند. در سطح اول از حضور ۱۸ نفر از بهبود یافتگان که به دلیل خدمت‌رسانی به سایر بیماران نسبت به پدیده اعتیاد دارای شناخت بالایی بوده، تجارب گسترده‌ای در برنامه‌های ۱۲ قدمی داشته و همچنین دارای پاکی بین ۱۰ تا ۱۷ سال بودند، استفاده شد. در سطح دوم از حضور ۱۸ نفر از درمان‌گران، اساتید، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی کشوری حوزه اعتیاد که دارای سوابق برجسته‌ای در این راستا بودند، استفاده شد. ابتدا با مشورت با مطلعان فهرستی از مراجع اطلاع‌رسان تهیه شد. در ادامه با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، از افراد فهرست درخواست می‌شد که فرد یا افراد دیگری را که دارای اطلاعات لازم باشند، معرفی نمایند. تعداد جمعیت نمونه از قاعده اشباع داده‌ها تبعیت نمود، ولی سعی شد توازنی بین دو گروه شرکت‌کننده در تحقیق برقرار باشد.

مراجع اطلاع‌رسان، ضمن اعلام نظر نسبت به تفاسیر و ایده‌های استخراج شده از طریق مرور نظریه‌های جامعه‌شناسی، به کشف ایده‌ها و ظهور نظریه‌های جدید پرداختند. در این تحقیق زایش و کشف نظری برای تفسیر و تحلیل پدیده، مشمول نظریه‌های قبلی نیز انجام شد. نظریه‌هایی که برای تبیین پدیده‌های اجتماعی در شرایطی متفاوت، طراحی شده‌اند.

ابزار

ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه بود. تکنیک استفاده شده، بحث‌های گروهی متمرکز (نوروزی جوینانی، ۱۳۸۸) و بحث‌های فردی همراه با نقش فعال مصاحبه‌کننده (تسهیل‌گر)

بود. مجموعه اطلاعات از طریق ۷ بحث گروهی متمرکز، ۲ بحث حضوری انفرادی و ۱۱ مباحثه تلفنی گردآوری شدند. این اطلاعات ضبط شد و پس از استخراج در داده برگ‌ها (نمونه سر برگ زیر) تایپ شد. سپس مقایسه و دسته‌بندی شدند. یافته‌های هر مباحثه به مباحثه بعدی منتقل می‌شد تا تکمیل و اصلاح شده و به سطح اشباع برسد. در این روش، هر ایده‌ای که در تفسیر پدیده تأثیر گذار بود، فارغ از فراوانی، واجد اهمیت بود.

جدول ۱: داده برگ جمع‌آوری داده‌ها

داده برگ	
موضوع: پویای شناسی اعتیاد - کارکرد ساختاری مکان: شورای هماهنگی تاریخ: ۹۷/۷/۳۰ شماره صفحه داده برگ: ۳	شناسه تشخیص گروه: (الف - بهبود یافتگان ب - متخصصان) شماره گروه: ۱ نوبت جلسه گروه: ۱
شناسه بحث	یادداشت‌ها
سؤال - پاسخ‌گو	مشاهده‌ها

روند اجرا

ابتدا تجربه زیسته طولانی مدت نگارنده در حوزه‌های پیشگیری، درمان، آموزش و سازمان‌دهی برای مداخلات اجتماعی، مقدمه‌ای برای تألیف مقاله‌ای با رویکرد پدیدارشناسی (مقدس قهفرخی؛ و آقابابایی، ۱۳۹۷) شد. در مرحله دوم آن یافته‌ها انگیزه‌ای برای خوانش متفاوت نظریه‌های جامعه‌شناسی و کشف ایده‌های جدید، برای تفسیر واقعی‌تر اعتیاد شد. در ادامه با تلفیق مناسب تجارب زیسته و نظریه‌ها، محورهای برای مباحثه با متخصصان و بهبود یافتگان دارای شناخت مناسب نسبت به اعتیاد، طراحی شد. بحث‌نامه به صورت آزمایشی اجرا شد و اصلاحات لازم اعمال شد. فهرست جمعیت نمونه با مشاوره مطلعان تهیه و در طول تحقیق به صورت گلوله برفی تکمیل شد. در بررسی میدانی، برخی از مباحث به سرعت به حالت اشباع می‌رسیدند، ولی در هر جلسه ایده‌های جدیدی برای پیگیری در مباحثه‌های بعدی کشف می‌شد. یافته‌های مهم، به گروه‌های بعدی منتقل می‌شد و اعتبار آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گرفت. در کل فرآیند تلاش می‌شد تا با مقایسه نقطه نظرات و بررسی سایر مستندات، یک توصیف فربه و غنی، از اعتیاد ارائه

شود. در کل این فرآیند، به تدریج مفاهیم، ایده‌ها، تفاسیر و نظریه‌های جدیدی، متناسب با موقعیت‌های مختلف مورد بحث، شکل گرفتند.

اعتبار یافته‌های این تحقیق با رعایت موارد ذیل تأمین شد. (۱) طراحی روش مند و دقت در اجرای فرآیند تحقیق (۲) تجربه زیسته نگارنده و انتخاب مراجع مطلع و اطلاع رسانیان واجد شرایط مرتبط با موضوع به عنوان جمعیت نمونه (۳) ثبت منظم دیدگاه‌ها و بازگشت دادن یافته‌های مباحثه‌های گروه‌های قبل به مباحثه‌های گروه‌های بعدی و اصلاح و ارتقاء منظم یافته‌ها (۴) انطباق یافته‌های میدانی با نظریه‌های معتبری که کمتر برای تفسیر اعتیاد استفاده شده بودند، از طریق متخصصان مجرب این حوزه (۵) تأیید نسبی یافته‌ها و پذیرش منطقی حاکم بر آن‌ها توسط متخصصان و بهبود یافتگان شرکت کننده در تحقیق.

یافته‌ها

پس از استخراج ایده‌ها و اطلاعات مهم و درج آن‌ها در داده برگ‌ها، حجم یافته‌هایی که برای تفاسیر جدید پدیده اعتیاد مفید بودند، بسیار زیاد شد. به همین دلیل به منظور ارائه بخش بیشتری از یافته‌ها در فضای محدود این مقاله، در هر قسمت به طور همزمان، بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده تا نیازی به بازگشت مجدد به ایده‌ها و نظرها و تکرار آن‌ها در هر بحث نباشد. در پایان، نتیجه‌گیری نهایی ارائه شد.

۱. اهمیت و جایگاه مواد: یافته‌های این تحقیق در خصوص طیف گسترده علل گرایش به مواد، بیانگر جایگاه مهم مواد در حوزه‌های مختلف زندگی گروه‌هایی از مردم می‌باشد. این تحقیق با معکوس کردن مشکلات و تبدیل آن‌ها به نیازهای ارضاء نشده، مفهوم‌سازی مبتنی بر شناسایی کارکردها و ساختار کارکردی را طراحی نموده است. می‌توان گفت، ساختار کارکردی پدیده با ارضاء نیازهای مختلف در سطوح فردی، بین فردی و اجتماعی پیوند دارد.

۲. کارکردهای مواد در راستای علل مصرف: هر یک از علل گرایش به مواد مبتنی بر یک مشکل یا نیاز هستند و هر یک از کارکردهای مواد اعتیادآور بر دسته‌ای از مشکلات و نیازها منطبق می‌شود. از نگاه جمعیت نمونه، بخشی از کارکردهای مواد در پاسخ‌گویی به نارسایی‌ها و بحران‌های افراد، جنبه ضربه‌گیر، تکمیلی و جبرانی داشتند و بخشی از

کارکردهای مواد در راستای لذت‌طلبی، تنوع‌طلبی، تحرک بیشتر و دریافت بالاتر، جنبه افزایشی داشتند.

۳. اعتیاد پیامد وضعیت‌های مختلف: این تحقیق بر علل ساختاری تأکید نمود، مواردی که کمتر در ادبیات اعتیاد مشاهده می‌شود، شامل: ناکارآمدی سایر روش‌ها برای تأمین نیازهای گروه‌های خاص، نیاز به چیزی تنش‌زدا، وجود نگرش‌های مثبت به کارکردهای واقعی مواد مثل تسکین و تحمل مشکلات، پر هزینه بودن تأمین کارکردهای مواد از طرق دیگر، وقت‌گیر و کمتر قابل دسترس بودن برنامه‌های جایگزین، کم تحرک بودن کنش‌گران سایر حوزه‌ها، ضعف کنترل‌های غیر رسمی، فاصله تدریجی بین برنامه‌های دولتی و فضا‌های اجتماعی، در هم ریختگی و عدم تعادل برخی سیستم‌ها، تعامل استعداد زیستی و شرایط محیطی، نارسایی در مشروعیت بخشی به فردیت و لذت فردی، سازگاری اعتیاد با اقتصاد نئولیبرالی، ...

۴. کارکردهای فردی و بین فردی مواد: این کارکردها پاسخ‌هایی به علل بسیار متعدد گرایش به مواد اعتیاد آور هستند. شامل: کسب لذت و سرخوشی بالا، جلب توجه و احترام و احساس عضویت و تعلق در گروه، تفریح و پرکردن اوقات فراغت، رفع تنش‌های قبل از مصرف، اعتماد به نفس، ابراز وجود، تسکین دردهای مزمن، تحمل شرایط سخت، کمک به رفع احساس منفی از امور پیرامون، محرک و نیروزایی، تمرکز و تخیل، جبران خلاء ارتباطی، رفع مشکلات جنسی و عاطفی، هیجان‌طلبی، اثبات خود، مخالفت با دیگران و استقلال‌طلبی، زیبایی‌شناختی، منحرف نمودن ذهن نسبت به کمبودها، جبران نارسایی‌های ژنتیکی و کارکرد غدد، ...

۵. دیگر کارکردهای بین فردی مواد: پیوند درون گروهی و کارکرد هم‌نوایی با هنجار گروه، جبران نارسایی‌های سایر ساختارها، حمایت اعضاء ضعیف توسط گروه، مخالفت با ارزش‌های سایر گروه‌ها، کنترل و کاهش خطر در بیماران روانی و شخصیت‌های ضد اجتماعی، پیوند گروهی برای کاهش بار روانی رفتار مصرف مواد، مشروعیت بخشی به مصرف، تولید خرده فرهنگ برای انسجام گروهی، و ...

۶. کارکردهای اجتماعی مواد: کارکردهای مهم درمانی در سیستم درمان، کارکردهای اقتصادی کلان، ایجاد چرخه اقتصادی عظیم ناشی از ایجاد فرصت‌های اشتغال برای صدها هزار نفر (توزیع کنندگان مواد، واسطه‌ها، درمان‌گران و گروه‌های فعال در پیشگیری در سطح کشور)، کارکرد حفظ تعادل و کارآمدی برای سایر سیستم‌ها (افزایش کارایی در عسلویه)، کارکرد ضربه‌گیر یا کاهش عدم تعادل پس از ضربه (مصرف مواد به اشکال پرخطر، نشانه در هم‌ریختگی و عدم تعادل سایر سیستم‌ها است)، کارکرد مصرف مواد برای شکستن قالب‌های بسته تنش‌زا و تأمین هیجان‌طلبی و تنوع‌جویی (کمی استرس برای خروج از بی‌حرکی و بی‌تفاوتی لازم است)، کارکرد پیشگیری از تخریب (برای کنترل افراد تحت فشارهای هیجانی و ساختاری)، کارکرد تکمیل جاهای خالی (جامعه در همه ابعادش کامل و بی‌نقص نیست، مواد جاهای خالی را پر می‌کند).

۷. کارکرد سیاسی- اجتماعی مواد: عدم تمرکز بر مشکلات اصلی اجتماعی، جبران اختلال در نظم کارکردی سایر سیستم‌ها، کارکرد کنترلی و کاهش فشار ساختاری و فشار روانی و پیشگیری از جرائم، پاسخ به تعارضات حل نشده در حوزه‌ی زنان و جوانان، کارکرد ضربه‌گیر و کارکرد حفظ تعادل در بحران‌ها (در جنگ، زلزله، بیکاری گسترده، ...)، جبران نادیده گرفتن نیاز به آزادی انسان‌ها (گلاسرو)، فرد معتاد در گوشه‌ای در خود فرو رفته و به خودآگاهی نسبت به موقعیت خویش و نقش گروه‌های برتر در عدم دستیابی به انتظارات خود نمی‌رسد (کارکرد سیاسی اعتیاد)، کارکرد انحراف تمرکز (وقتی فرد راه حلی برای مشکلات خود با جامعه، قانون و ارزش‌ها ندارد)، کارکرد ایجاد امنیت و آرامش (در شرایطی که عوامل متعدد احساس ناامنی به طور گسترده در پیرامون افراد وجود دارند)، کارکرد کلان کنترل اجتماعی و حفظ تعادل و نظم، کارکردهای کیفی (به دلایل منافع اقتصادی و سیاسی، قاچاق و توزیع مواد مخدر در سطح بین‌المللی)، یک منبع بیرونی برای بهبود حال جامعه، تأمین سامانه‌های مدیریت تنش و مدیریت تنوع‌طلبی، نقش ضربه‌گیر و تعدیل‌کننده (بین افراد و واقعیت‌های آنان به منظور قابل تحمل کردن واقعیت قرار می‌گیرد)، کارکرد اقتصاد سیاسی، کارکرد امید به آینده (مقاومت در مقابل نظام

اجتماعی برای جوانانی که با تعارض و احساس ناامنی روبرو شده‌اند)، اعتیاد به عنوان یک سیستم میانجی امکان سازگاری و تعادل موقت نظام کلی را فراهم می‌کند و به نظام امکان می‌دهد به تجدید سازمان اجزای متعدد خویش بپردازد.

۸. کارکرد ساختاری- اجتماعی مواد: معمولاً به طور آگاهانه یا رسمی اعتیاد را ابزاری برای دستیابی به اهداف کنترلی، اقتصادی و اجتماعی کلان قرار نمی‌دهند، اما انطباق کارکردهای خرد مصرف مواد بر سایر فرآیندها از جمله بیکاری و احساس تنش، موجب شکل‌گیری کارکردهای ساختاری- اجتماعی می‌شود. این کارکردها، به دلیل جنبه‌های غیر قانونی و انحرافی آسیب‌ها، به صورت غیر مستقیم و پنهان شکل گرفته و به تدریج این منافع به گسترش و تثبیت ساختار نیز کمک می‌کنند. برخی از نظرات جمعیت نمونه ارائه می‌شود:

- پذیرش غیررسمی و بهره‌برداری پنهان از کارکردهای آن برای حل مشکلاتی که فعلاً قادر به حل آن‌ها نیستند.
- ایجاد مزیت‌ها و ارزش افزوده‌هایی برای سایر سیستم‌ها (سختی کار در عسلویه با مصرف مواد تسهیل شد).
- کارکرد پنهان ایجاد اشتغال چند صد هزار نفری.
- به لحاظ سیستمی، جامعه نیاز به تعادل درون‌زاد دارد. مواد بخشی از کارکردهایش را در این راستا تعریف نموده است.
- خرده فرهنگ اعتیاد شاید نوعی قیام نسبت به ارزش‌های کل جامعه باشد.
- برخی ارگان‌ها و سیستم‌ها فعالیت‌های خود را پیرامون این موضوع سازماندهی کرده‌اند.

۹. اعتیاد به عنوان یک سیستم پویا (ویژگی‌های سیستمی اعتیاد): در پویایی‌شناسی اعتیاد لازم است بین سطوح خرد، میانی و کلان، ارتباطی سیستمی برقرار باشد. بر اساس استدلال ریتزر نظریه‌های مبتنی بر سطوح خرد و کلان به احتمال زیاد به طور ایستا، سلسله مراتبی و غیر تاریخی توصیف می‌شوند، حال آن‌که گرایش پویا و تاریخی به مطالعه سطوح دنیای اجتماعی را می‌توان جزء لاینفک یک رویکرد دیالکتیکی عام‌تر به شمار

آورد (وایلی، ۱۹۸۸). در این تحقیق یکی از محورها و تم‌های اصلی مباحث، به پویایی‌شناسی اعتیاد و تعامل دیالکتیکی ابعاد و عناصر این سیستم اختصاص یافت که مهمترین یافته‌ها از منظر جمعیت نمونه به شرح زیر است:

- دارای ویژگی‌های سیستمی؛ مواردی همچون دارای مرز مشخص، دارای حلقه بازخورد، کارکرد بقاء سیستم، توان عضوگیری گسترده و کنترل اعضاء.
- ابتدا، نقش عاملیت نسبتا بالاست، ولی فشار ساختار و گروه نیز بالاست. با اولین مصارف، نقش عاملیت به لحاظ ارادی بودن کاهش می‌یابد، ولی اهمیت اختیار ادامه دارد.
- این سیستم از دو سازوکار برای تحقق اهدافش استفاده می‌کند؛ اختیار همراه با اشتیاق اولیه برای مصرف و اجبار همراه با اکراه ثانویه برای مصرف.
- قدرت نفوذ در کلیه ساختارها؛ تنوع بسیار زیاد گروه‌های مصرف‌کننده بر حسب ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بیانگر این ویژگی است.
- وجود نوعی تفکر و عقلانیت عملی برای به نتیجه دلخواه رسیدن.
- پویایی سیستمی مبتنی بر تلاش‌های نامتعارف و خارق‌العاده اعضاء.
- انعطاف‌پذیری سیستم در موقعیت‌های مختلف.
- خودکنترلی و خودتنظیم‌گری سیستم.
- خودمراقبتی از طریق ارزش‌های درونی سیستم.
- نظم و پیگیری سیستم (توزیع به موقع مواد).
- قدرت نفوذ در سایر سیستم‌ها و تغییر فرآیندها و کارکردهای آنها در مسیر اهداف خود، همراه کردن برخی از کارگزاران سایر سیستم‌ها، تغییر قوانین، تسهیل شرایط مصرف اعضاء.
- ضعف سایر سیستم‌ها برای نفوذ در این سیستم، سایر سیستم‌ها قادر به پذیرش اعضاء این سیستم، به عنوان اعضاء عادی خود نیستند.
- مصرف به عنوان عامل افتراق و نقطه برش روابط اجتماعی و مرز دو ساختار اجتماعی مصرف‌کنندگان و دیگران.

- میزان احساس خطر از مصرف مواد، با میزان درک کارکردهای مثبت مواد، نسبت معکوس دارد. تداوم مصرف بر اساس گرایش به کارکردهاست.
- استفاده از فن آوری‌های نوین برای ارائه بهتر کارکردهای خود.
- قدرت پردازش نیازها و باز تولید تقاضاها متناسب با شرایط و ویژگی‌های گروه‌های مختلف.
- قدرت اقتصادی عظیم سیستم به عنوان دومین یا سومین اقتصاد بزرگ جهان.
- سازماندهی شبکه‌های توزیع خود با کمترین سرمایه‌گذاری، آموزش و نظارت، به وسیله مصرف‌کنندگان بیکار.
- نادیده گرفتن خطر مصرف و تمرکز صرف بر کسب لذت و سایر کارکردهای مصرف (در بعد فردی).
- قدرت خطر پذیری بالای کارگزاران سیستم، به دلیل انگیزه بالای اقتصادی (در بعد ساختاری).
- شناسایی هوشمندانه نقاط ضعف سایر سیستم‌ها و جذب اعضای آن‌ها (بازاریابی، مخاطب‌شناسی).
- برقراری ایمنی درون‌زا و ویژگی خود مراقبتی سیستم، شناسایی و ترمیم هوشمندانه نقاط ضعف سیستم.
- انطباق تلاش‌های فردگرایانه مصرف‌کنندگان بر اهداف کلان سیستم، (تلاش به ظاهر خودخواهانه هر فرد کاملاً در راستای منافع سیستم اعتیاد است).
- کنش فردی در سیستم بر اساس احساس نیاز فردی است نه اجبار و فشار ساختاری، به تعبیر دیگر بخشی از فشارهای ساختاری بیرونی، توسط این سیستم دریافت، تعدیل و تبدیل می‌شوند.
- پویایی سیستمی مبتنی بر تقاضا (بازار پایدار).
- توان معرفی خود به عنوان وزنه تعادل برای سایر سیستم‌هایی که دچار نارسایی و بحران شده‌اند.
- پویایی سیستمی مبتنی بر مانایی پایدار اعضاء در سیستم (تعهد و قرارداد دائمی نا نوشته).

- تفسیر جایگاه عاملیت در سیستم بر اساس هزینه- اثر بخشی و هزینه- فایده مندی (عاملیت عقلانی).
- کارکرد تعامل درون سیستمی سطوح خرد، میانی و کلان، در راستای تثبیت رفتار مصرف.
- ناتوانی دولت‌ها در کنترل سیستم اعتیاد و توانایی این سیستم در تحمیل خود به سایر سیستم‌ها.
- نظم، دقت، مسئولیت‌پذیری اعضای سیستم، ... (توزیع منظم مواد).
- قدرت شناسایی کژکارکردی و ناتوانی سایر سیستم‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای گروه‌های مخاطب خویش و ساختار دادن به خود بر اساس تقاضای افراد نیازمند.
- به عنوان یک نهاد غیر رسمی، به طور خودکار و غیر دستوری عمل می‌کند.
- مدیریت زمان مصرف، مکان و حال و هوای مصرف، همراهان و حامیان مصرف، نحوه تهیه، نوع مصرف، میزان مصرف، تأمین هزینه مصرف،... ساختارمند هستند.
- ۱۰. تمایز بین مفهوم مصرف مواد و مفهوم اعتیاد: بر اساس یافته‌های تحقیق، باید بین مصرف مواد و اعتیاد تمایز قائل شویم. مصرف مبتنی بر آگاهی، اختیار و انتخاب عقلانی فرد صورت می‌گیرد. در مقابل مشاهده می‌شود که عموم سیاست‌گذاری‌ها بدون توجه به جاذبه‌ها و کارکردهای مصرف و بر اساس نگرانی از تهدید اعتیاد صورت می‌پذیرند. مصارف اولیه افراد، همراه با احساس عاملیت بالایی بوده و آن‌ها کارکردهای مواد را مطلوب می‌دانند. در گروه دوستان معمولاً تهدید اعتیاد کم اهمیت شمرده می‌شود و تردیدهای احتمالی برای تداوم مصرف حذف می‌شوند.
- این بخش از یافته‌ها با نظریه ساختاریابی گیدنز هماهنگی زیادی دارد. بر اساس آن نظریه فرد تحت کنترل ساختارها و فشار آن‌ها نبوده و اختیار لازم برای انتخاب‌های مختلف را دارد، ولی هر انتخابی قالب‌گیری شده و ساختار می‌یابد (گیدنز، ۱۹۷۹).
- ۱۱. تعامل پویای سطوح خرد، میانی و کلان سیستم: مصرف‌کنندگان از ویژگی‌های بی‌نظیری برخوردارند: تمرکز بر هدف (مصرف)، برنامه‌ریزی، پیگیری دقیق هدف، خلاقیت برای رفع موانع، نظم و دقت در اجرا، اولویت در اختصاص منابع مالی، زمان،

توجه و غیره، توان خطر پذیری بالا در جهت اهداف، احساس مسئولیت و تعهد نسبت به هدف،... به جرأت می توان گفت کنش گران هیچ سیستم دیگری در راستای اهداف سیستم این گونه تلاش نمی کنند. این ویژگی های فردی در ساختار اعتیاد منعکس شده و به آن ساختار نیز ویژگی های متمایزی در سطوح میانی و کلان می دهد (در بندهای ۴، ۵ و ۹ این گزارش به طور مبسوط ارائه شد).

۱۲. اعتیاد محصول پیامد ناخواسته مصرف مواد: مصرف مواد مطلوب و منطبق با نیازهای مصرف کنندگان است، اما پیامدهای ناخواسته ای دارد که معتادان نیز از این پیامدها نگران هستند، با این حال ساز و کارهای مطلوبیت مصرف، این پیامدها را به آنها تحمیل می کند. این یافته با نظریه گیدنز در خصوص تعامل دیالکتیکی عاملیت و ساختار همسویی بالایی دارد. بر اساس دیدگاه گیدنز پیامدهای ناخواسته نقش تعیین کننده ای در تعامل سیستمی عاملیت و ساختار دارند (گیدنز، ۱۹۸۹). به عبارت دیگر سیستم عظیم اعتیاد محصول و پیامد ناخواسته تمایلات و نیازهایی است که در ابتدا با انگیزه های متفاوتی پیگیری شده اند.

۱۳. سامانه مدیریت تنش: سیستم اعتیاد سامانه ای برای مدیریت تنش ایجاد نموده است. این سامانه متناسب با تحولات دنیای مدرن، برای کنترل بخشی از پیامدهای ناخوشایند ناشی از تغییرات، کارکرد ساختاری منظم یافته است. این یافته با دیدگاه باکلی^۱ در خصوص تحولات همراه با تنش همسویی دارد. از نظر او به دنبال بروز تحول و تنش در نظام اجتماعی، برقراری تعادل مجدد در آن از طریق ایجاد ساختارهای با ثبات اجتماعی که قادر به مدیریت تنش ها باشند، ضرورت دارد (باکلی، ۱۹۹۷؛ نقل از ریتزر، ۱۳۹۳).

۱۴. تثبیت ساختار اعتیاد به عنوان یک نهاد اجتماعی غیر رسمی: پایداری در اهداف، گسترده گی خدمات، خرده فرهنگ خاص، توان پاسخ گویی به بخشی از نیازهای دائمی جامعه، جمعیت چند میلیونی مخاطبان، ویژگی های سیستمی بسیار متمایز از سیستم های رقیب، انعطاف پذیری و پویایی ساختار و کارکردها، تعامل سطوح خرد، متوسط و کلان، تأمین منظم و مستمر تقاضاهای مخاطبان و دهها ویژگی دیگر، اعتیاد را تا سطح یک نهاد

اجتماعی رسانیده است. بخشی از کارکردهایش (درمانی) در نظام رسمی تأیید شده‌اند، برخی از کارکردهایش (کاهش آسیب) به شکل نیمه‌رسمی پذیرفته شده‌اند و در برخی از کارکردهایش به دنبال نفوذ و گسترش حضور خود تا رسیدن به مرحله عادی‌سازی و ایجاد مشروعیت بوده است.

۱۵. کارکرد سیستمی: بر اساس یافته‌های این تحقیق نظم، استمرار و کارکردهای اعتیاد واقعی و عینی هستند. بنابراین ناگزیر ساختاریابی مبتنی بر کارکردهای اعتیاد تأیید می‌شود. کارکردگرایان بر این نظرند که هر پدیده و یا سیستمی که ظرفیت‌ها و استعداد‌های درونی داشته باشد و بتواند نیازها را در طول زمان برآورده سازد، مانند‌گار می‌ماند. کارکرد سیستمی در راستای تعادل سیستم عمل می‌کند (معیدفر، ۱۳۹۰).

۱۶. ارتباط ساختار اعتیاد با نارسایی کارکردی نهاد اوقات فراغت: در راستای تعادل کارکردی نظام کلان اجتماعی، جامعه ناگزیر از ایجاد تغییراتی در شیوه‌ها و ساختارهای سنتی خود می‌باشد. در این رابطه نهاد اوقات فراغت پویایی لازم برای ایجاد ساختارهای جدید به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع مخاطبان را نداشته و به نظر می‌رسد سیستم اعتیاد گونه‌های جدیدی از دریافت لذت، افزایش تحرک و قدرت، کسب تمرکز بیشتر، کسب آرامش و دوری از تنش را برای این منظور معرفی کرده است. مشاهده می‌شود سیستم اعتیاد با تغییر صورت‌بندی اهداف نظام اجتماعی سنتی و تبدیل اهداف کارکردی بلند مدت به اهداف کارکردی کوتاه مدت، ساختار گسترده و کارکردهای متنوع خود را معرفی کرده و گسترش داده است.

۱۷. ارتباط رفتار انحرافی با ویژگی‌های اجتماعی: از ویژگی‌های سیستم اعتیاد خلاقیت و انعطاف‌پذیری بالا برای دستیابی به اهداف است. ابداعات خلاقانه این سیستم هر چند جنبه انحرافی دارند، اما پس از تکرار و انطباق، به دلیل تقاضای گسترده‌ای که ایجاد می‌نمایند، ساختار یافته و در ادامه به دنبال مشروعیت‌بخشی به خود می‌باشند. این جنبه از ساختاریابی رفتارهای انحرافی، بر اساس نظریه مرتن، منطبق با ویژگی‌های اجتماعی هستند و نه ویژگی‌های ناپسند افراد. پس این افراد مشکل روانی یا زیستی خاصی ندارند (اسکیدمور، ۱۳۹۷).

۱۸. تبدیل تغییرات بیرونی به ساختاری پویا: این تحقیق از طریق گفتگوی با متخصصان، ساختاریابی اعتیاد به عنوان یک سیستم پویا را تأیید نمود. بر این اساس، سیستم جدید از جایگاه پاسخ‌گویی به تغییرات دنیای پیرامون و ایجاد تعادل مجدد از طریق حذف تنش‌های درون سیستمی، کارکردهایش را تعریف و تثبیت می‌کند. این یافته با نظریه نیکلاس لومان^۱ در خصوص معرفی افتراق در سیستم به عنوان سازوکاری برای انطباق با پیچیدگی محیط پیرامون سیستم، انطباق و همسویی دارد. به نظر او همه سیستم‌ها با ایجاد افتراق در درون سیستم متولد می‌شوند. به عبارت دیگر سیستم‌های جدید تغییرات بیرونی را به ساختار سازمانی جدید تبدیل می‌کنند (لومان، ۱۹۸۲).

۱۹. مواد به عنوان یک رسانه عام جدید: مواد نقش یک رسانه عام برای تبادل درون سیستمی و بین سیستمی و در خدمت کارکردهای مورد انتظار را کسب کرده است. به دلیل گسترش زیاد مواد و الکل و تحمل و پذیرش تدریجی و غیررسمی جامعه نسبت به آن‌ها، می‌توان از محوریت مواد برای تمرکز بخشیدن به بخشی از ارتباطات اجتماعی، تحت عنوان «واسطه تعاملات اجتماعی» نام برد. می‌توان گفت مواد به عنوان یک رسانه عام دارای فرکانس مشخصی است که گیرندگان نسبتاً زیادی پیدا نموده است. این رسانه مبنایی برای تعاملات درون گروهی افرادی شده که حتی بخشی از آن‌ها قبلاً با یگدیگر ارتباط نداشته‌اند. این رسانه نوعی اشتراک هویتی بین گروه‌های مصرف‌کننده تعریف کرده و در مراسم مختلف، واسطه تعاملات آنان شده است. همچنین مواد نوعی پیام‌رسان و رسانه برون سیستمی برای بیان اعتراض به سایر ساختارها نیز محسوب می‌شود. این یافته با «مفهوم رسانه‌های عام تبادل» پارسونز همسویی بالایی دارد. او با بهره‌گیری از ابعاد نمادین و غیرمادی رسانه‌هایی همچون پول، قدرت سیاسی و تعهدات ارزشی، به جنبه کاربردی آن‌ها به عنوان وسایلی در خدمت تبادل در درون چهار نظام کنش خویش توجه دارد (پارسونز، ۱۹۶۶).

۲۰. مواد به عنوان یک رسانه غیر زبانی: این تحقیق، مواد مخدر و کارکردهای آن را که از نظام‌های اوقات فراغت و درمان می‌آیند، برای جبران فضای خالی در ارتباط

گروه‌های خاص، مورد تأیید قرار داد. می‌توان ادعا نمود که برخی از گروه‌های اجتماعی به باز اندیشی در روندهای قبل پرداخته و با محوریت مواد به عنوان یک رسانه غیر زبانی، نوع تعاملات درون گروهی و برون گروهی خود را تعیین نموده‌اند. نظریه «رسانه‌های غیر زبانی» هابرماس نیز برای اعتبار بخشی به این یافته قابل استناد است. به نظر او به واسطه افزایش تضاد در مورد زبان، رسانه‌های غیر زبانی همچون پول و قدرت، که از نظام‌های اقتصادی، و سیاسی گرفته شده‌اند، فضای خالی را پر می‌کنند و تا حدودی جایگزین زبان روزمره می‌شوند. به جای این که کنش‌ها را زبان هماهنگ کند، پول و قدرت این کار را به عهده می‌گیرد (هابرماس، ۱۹۸۷؛ نقل از ریتزر، ۱۳۹۳).

۲۱. انطباق کارکردهای مواد با ویژگی‌های جوامع در حال مک دونالدی شدن: مصرف مواد یک راه میان‌بر برای کسب تمام کارکردهایی است که فرد به دنبال کسب آن‌هاست. رنجی که به طور سریع قطع می‌شود، هوشیاری آزاردهنده‌ای که با اولین مصرف تغییر می‌کند. لحظات ملال‌آوری که به سرعت با تجربه اوج تعویض می‌شوند. همه و همه، منطبق با ویژگی‌های افرادی است که سرعت، سهولت و کارایی برای دستیابی به هدف برای آن‌ها ملاک اصلی انتخاب‌های‌شان است. این بخش از یافته‌های تحقیق با دیدگاه ریتزر در خصوص جوامع در حال مک دونالدی شدن انطباق و همسویی بالایی دارد. بر اساس دیدگاه ریتزر، در این جوامع کارایی برای رسیدن به هدف اهمیت دارد و الزامات داشتن کارایی یعنی محاسبه‌پذیری و سرعت، دلیلی برای انتخاب شیوه‌های غیر هنجاری برای دستیابی سریع به هدف (رفع تنش‌ها، دستیابی به آرامش، کسب لذت، ...) بوده است (ریتزر، ۱۳۹۳).

۲۲. ساختار یابی جهانی از طریق نظم مصرف: جذابیت و نفوذ کارکردهای سیستم اعتیاد، به دنبال نارسایی در ایفای کارکردهای مورد انتظار سایر ساختارها، تشدید می‌شوند. بر این اساس، تعاملات بین فردی، کارکردهای فردی مواد را نظم و عمق داده و مقدمات ساختار یابی اعتیاد و گسترش این ساختار را تا سطح شبکه جهانی تهیه و توزیع مواد مخدر و اقتصاد عظیم آن فراهم می‌نمایند.

۲۳. چرا چهارمحال و بختیاری در شیوع شناسی کشوری گرایش به سمت مواد اعتیاد آور، در رتبه بالایی قرار گرفت؟ بر اساس یافته‌های تحقیق، افزایش گرایش به سمت مواد اعتیاد آور در استان چهارمحال و بختیاری با بی‌کارکرد شدن و کارکرد منفی برخی از ساختارها و نهادها در شرایط نوین مرتبط است. گزارش‌های رسمی و غیر رسمی متعدد بیانگر رتبه‌های بالای استان در نرخ بیکاری، آمار افسردگی و اختلالات روان زنان و نوجوانان و جرائم خشن بوده و خودکشی و طلاق نیز رو به افزایش گذاشته است. مصرف مواد برای برقراری تعادل نظام کلان جامعه، با این وضعیت‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

به نظر کلمن تغییر ساختارهای نخستین و ایجاد ساختارهای هدفمند جدید، یک خلاء نظری ایجاد کرده که سازمان‌های اجتماعی آن را بر طرف نکرده و علوم اجتماعی باید به بازسازی جامعه پردازد. در این رابطه هدف، نابودی ساختارهای هدفمند نیست، بلکه هدف شناخت موقعیت‌ها و اجتناب از مسائل این دست ساختارهاست (کلمن، ۱۹۹۳؛ نقل از ریتزر، ۱۳۹۳). در نتیجه یافته‌های این تحقیق در راستای انعکاس وضعیت‌ها و فرآیندهایی است که ساختاریابی و پویایی سیستمی اعتیاد، نتیجه ناخوشایند و پیامد ناخواسته آن‌ها بوده است.

این تحقیق از یک سو ویژگی‌هایی همچون تعامل سطوح خرد تا کلان، پویایی سیستمی و کارکردهای ساختاری سیستم اعتیاد را شناسایی و معرفی کرد. از سوی دیگر همسویی یافته‌های تحقیق را با نظریه‌های مختلفی که برای تفسیر و تحلیل وضعیت‌های دیگری طراحی شده بودند، شناسایی و ارائه کرد. در یک رویکرد تلفیقی، تنوع دیدگاه‌ها و یافته‌های این تحقیق می‌تواند به تدوین یک مدل نظری جامع منتهی شوند.

یافته‌های این تحقیق با الگوی زیستی، روانی و اجتماعی ساسمن و ایمز در تبیین چند متغیره اعتیاد و بیان سازوکارهای تعامل متغیرها در سطح کارکردهای فردی و بین فردی همسویی داشت. اما آن الگو برای تبیین رفتار انحرافی مطرح شده و تعامل در آن الگو، در سطح فرآیندهای سیستمی کلان و کژکارکردی سایر سیستم‌ها گسترش نیافته است. ایده‌های برگرفته از نظریه‌های جامعه‌شناختی لومان، باکلی، وایلی، پارسونز، گیدنز،

معیدفر، اسکید مور و ریتزر که در بندهای ۹ تا ۲۱ ارائه شده‌اند، به عنوان یافته‌های نظری همسو با یافته‌های تجربی تحقیق محسوب می‌شوند. این نظریه‌ها برای تفسیر و تبیین اختصاصی اعتیاد تدوین نشده‌اند، اما همسوایی آن‌ها با یافته‌های تحقیق، می‌تواند در اعتباربخشی به یافته‌ها مورد استناد قرار گیرند.

در تفسیر یافته‌ها از منظر عقلانیت بنیادی و ارزش‌های اساسی جامعه، حفظ سلامت و پیشگیری از رفتارهای آسیب‌زا مورد تأکید بخشی از جمعیت نمونه بود. برخی از اعضای جمعیت نمونه، تحت هر عنوانی انتخاب‌های مبتنی بر تمایلات فردی مشکل‌ساز را تأیید نکردند و با نگاه نسبی‌گرایانه و لیبرالی حاکم بر برخی از مطالب مرزبندی جدی داشتند. اما سایر اعضای جمعیت نمونه این اظهارات را مغایر یکدیگر ندانستند. چند استدلال در این راستا مطرح شد: ابتدا آن‌که بررسی عینی پدیده‌های آسیب‌شناختی به معنای تأیید آن پدیده‌ها و مشروعیت بخشی به سازوکارهای گسترش موفق آن‌ها نیست. دوم آن‌که هر چند ساختار کارکردی و پویایی سیستمی اعتیاد نگران‌کننده است، اما این وضعیت پیامد کژکارکردی سایر ساختارهاست و باید نگرانی اصلی را متوجه ناکارآمدی آن‌ها نمود. نکته سوم این‌که در شرایط فعلی، یافته‌های این تحقیق در رابطه با $5/5\%$ جمعیت ۱۵-۶۴ سال کشور قابلیت تعمیم دارند و بخش عمده جامعه، هنوز اعتیاد را به عنوان اولین مسئله اجتماعی می‌دانند. این بدان معناست که ارزش‌های بنیادین جامعه به لحاظ آماری تفوق دارند، اما همین نسبت جمعیتی معتادان نیز تأییدکننده پویایی سیستمی اعتیاد، ساختار کارکردی آن و تهدید آن به عنوان یکی از مسائل جدی جامعه است.

پیشنهاد می‌شود، یافته‌های مندرج در بیش از ۲۰ بند فوق، از طریق تحقیقات کمی و کیفی جدید مورد بررسی و آزمون میدانی قرار گیرند. همچنین برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، متناسب با هر یک از یافته‌هایی که دارای همسوایی بالایی با نظریه‌های جامعه‌شناختی هستند و به همین دلیل اعتبار بالاتری دارند، با استفاده از رویکرد مهندسی معکوس، در تغییر راهبردها و جهت‌گیری سیاست‌های کشور در حوزه‌های پیشگیری، مقابله و درمان اعتیاد، اقدام نمایند. خوانش نظریه‌های جامعه‌شناسی امکان کاربست دیدگاه‌های مختلفی را برای شناخت و تفسیر اعتیاد به دنبال داشت، پیشنهاد می‌شود این

رویکرد گسترش و تعمیق یابد. پیشنهاد می‌شود نیازهای ارضاء نشده گروه‌های مختلف و تنش‌های مبتنی بر آن‌ها شناسایی و رفع شوند. تمایلات و انگیزه‌های اولیه گروه‌های مختلف برای گرایش به مواد شناسایی و سازوکارهای ارضاء نیازها از طریق پویایی سیستمی سایر ساختارها و بازمهندسی کارکردهای نهادهای اساسی جامعه مورد توجه قرار گیرند. تحولات مستمر دنیای کنونی از طریق سازمان‌دهی آن‌ها در قالب ساختارهای مثبت مدیریت شوند. پیش از آن‌که خود به شیوه‌های غیر رسمی ساختاریابی نامتعارف یابند. تفاوت‌های فردی و گروهی پذیرفته شده و از تحمیل الگوهای ثابت خودداری شود. به طور هنجارمند، مدل‌های متنوعی از ارضاء نیازهای مرتبط با لذت، شادی، هیجان، تحرک، آرامش، تنوع، تفاوت، درمان، تعاملات درون‌گروهی، پذیرش اجتماعی، ابراز وجود، و ... طراحی و ترویج شود. نیازهایی که مواد کارکردهایش را بر آن اساس تعریف نموده است. به رفع بحران‌های اقتصادی و نارسایی‌های سایر سیستم‌ها توجه فوری شود تا مجالی برای خطرپذیری افراد و جبران نارسایی‌های خود از طریق سیستم اعتیاد فراهم نشود.

بعضی از مسئولین ارشد حوزه سیاست‌گذاری و بعضی از اساتید برجسته حوزه مسائل اجتماعی به دلیل نداشتن فرصت یا ملاحظات شغلی، برای انجام مصاحبه موافقت نکردند. همکاری این گروه می‌توانست بر غنای یافته‌ها بیافزاید. خوانش متفاوت نظریه‌های جامعه‌شناسی و استخراج ایده‌های مبتنی بر مفروضات اولیه، خیلی زمان بر بود و طبعاً در حد توان نگارنده صورت گرفت. نسخه چارمزی نظریه بنیادی کمتر مورد استفاده محققین با رویکرد کیفی بوده و به همین دلیل کمتر شناخته شده است. در نتیجه، با وجود آن‌که این نسخه ظرفیت بالایی برای کشف ایده‌ها و تفاسیر خلاقانه دارد، ولی چون الگوی یکنواختی برای اکتشاف نظریه ندارد و خیلی منعطف است، از منظر روش تحقیق، به ویژه از طرف کسانی که با این نسخه آشنایی کافی ندارند، در معرض انتقاد بوده و نیازمند تلاش مضاعفی برای دفاع از یافته‌ها می‌باشد.

منابع

اسکید مور، ویلیام (۱۳۷۲). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*. ترجمه احمد رجب‌زاده، علی محمد حاضری، سعید معیدفر، علی هاشمی گیلانی، محمد مقدس. چاپ اول، انتشارات علمی، قم.

- جلالی، داریوش (۱۳۹۶). کتاب جامع پیشگیری از مصرف مواد نوجوانان. تهران: علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی استان چهارمحال و بختیاری.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۶). روش تحقیق گراندد با رویکرد پایان نامه نویسی، چاپ سوم. تهران: انتشارات فوژان.
- ریتزر، جورج (۲۰۱۰). نظریه جامعه شناسی. ترجمه هوشنگ ناییبی (۱۳۹۳). تهران: نشر نی.
- ستاد مبارزه با مواد مخدر، دفتر تحقیقات و آموزش (۱۳۹۴). پیمایش ملی خانوار در مورد شیوع مصرف مواد مخدر و روان گردان ها در جمعیت عمومی ۶۴-۱۵ سال کشور. مجری محسن روشن پژوه. تهران: دنیای درون.
- سراج زاده، سید حسین و عزیززاده، امید (۱۳۹۴). برساخت اجتماعی مصرف مواد مخدر و اعتیاد در شهرستان رودبار جنوب. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۲)، ۲۹۶-۲۷۴.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بریایه، چاپ چهارم. تهران: نشر آگاه.
- قادری، صلاح الدین و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۹). مطالعه در شناخت هنجارهای تسهیل کننده مصرف مواد اعتیاد آور در میان خرده فرهنگ های قومی ایران. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۴)، ۵۱-۲۷.
- کرمی، محمدتقی و اعتمادی فرد، سید مهدی (۱۳۹۲). ساخت اجتماعی اعتیاد در ایران. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۴)، ۱۱۰-۹۳.
- معیدفر، سعید (۱۳۹۰). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران. چاپ سوم. تهران: نور علم.
- مقدس قهفرخی، شهرام (۱۳۹۷). پویایی شناسی اعتیاد؛ تحلیل مبتنی بر نظریه زمینه ای اعتیاد با توجه به ویژگی های این پدیده در استان چهارمحال و بختیاری. پایان نامه دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان.
- مقدس قهفرخی، شهرام و آقابابایی، عزیزالله (۱۳۹۷). پویایی شناسی نظام اعتیاد؛ تحلیل پدیدارشناختی اعتیاد. تحلیل مسائل و آسیب های اجتماعی کشور. مقالات استان چهارمحال و بختیاری. چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- نوروزی جویانی، سعید (۱۳۸۸). بحث گروهی متمرکز. چاپ اول، تهران: نشر دانژه.
- همایش بین المللی علمی کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر - قوه قضاییه (۱۳۷۹). سیر قانون گذاری مواد مخدر و اعتیاد در ایران. جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنامه رسمی.

References

- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. London: SAGE.
- Giddens, A. (1979). *Central problems in social theory: Action, structure and contradiction in social analysis*. Berkeley University of California Press.
- Giddens, A. (1989). A reply to My Critics. In D. Held and J. B. Thompson (eds.) *Social Theory*, 286.
- Luhmann, N. (1982). *The differentiation of society*. Trans. Stephen Holmes and Charles Larmore. New York: Columbia University Press.
- New York: Columbia Journal of General Systems, 461.
- Parsons, T. (1966). *Societies*. Englewood Cliffs, N. J.: Prentice- Hal.
- Sussman, S. & Ames, S. L. (2008). *The social psychology of drug abuse*. Buckingham, UK: Open University Press.